

## تأثیر جهانی سازی بخش بانکی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8

لیلا زارعی مدوئیبه

استاد علوم اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه

[Liela\\_zarei4@yahoo.com](mailto:Liela_zarei4@yahoo.com)

### چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است که تمام عرصه‌های گوناگون زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این راستا، جهانی شدن مالی امری غیر قابل اجتناب است و هدف آن، گسترش مبنای سرمایه‌گذاری، تنوع سازی و تسهیم ریسک به طور جهانی است. به عبارت دیگر، جهانی شدن فرآیندی است که تجارت و نیز سرمایه داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از این رو است که در امر جهانی شدن، پنجره‌های تازه‌ای بر روی بانک‌ها باز شده و در این راستا، بر موضوع ثبات مالی نیز تأکید می‌شود. این در حالی است که همواره رشد اقتصادی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشورها بوده است و در صدر توجه همه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران قرار دارد. در این مطالعه به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و برخی از متغیرهای کلان اقتصادی با استفاده از روش Panel VAR پرداخته شده است. برای این منظور از داده‌های پانلی کشورهای گروه D8 طی دوره ۲۰۱۵-۲۰۲۰ استفاده گردیده است. برای توسعه بخش بانکی از شاخص‌های عرضه پول، میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی و اعتبارات اعطایی به بخش بانکی استفاده و متغیرهای کلان اقتصادی به کارگرفته شده شامل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری، نرخ تورم و مخارج مصرفی دولت می‌باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر منفی بر رشد اقتصادی در دوره مورد بررسی داشته است. همچنین عرضه پول، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته و متغیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بیشترین اثر را نسبت به سایر متغیرهای مدل بر رشد اقتصادی کشورهای گروه D8 در سال‌های مورد بررسی داشته است.

واژگان کلیدی: گروه D8، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی، جهانی شدن، بخش بانکی، روش Panel VAR.

## ۱- مقدمه

جهانی شدن پدیده‌ای است که با هدایت حرکت تمام کشورهای جهان به سمت موجودیت واحد، تمام عرصه‌های گوناگون زندگی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این راستا، جهانی شدن مالی امری غیر قابل اجتناب است و هدف آن، گسترش مبنای سرمایه‌گذاری، تنوع‌سازی و تسهیم ریسک به طور جهانی است (مشایخ و فرشی، ۱۳۹۱). جهانی شدن مالی، ادغام بازارهای اوراق بهادار، بیمه‌گری در عرصه جهانی، رژیم‌های نرخ ارز شناور و بانکداری فرامرزی است و آزادسازی تجارت خدمات بانکی، استانداردهای جهانی بانکداری و مؤسسات درجه بندی اعتبار، بانکداری الکترونیک و ادغام‌ها و تملک‌های بانکی، مهمترین ابعاد جهانی شدن بانکداری را تشکیل می‌دهند (میرجلیلی، ۱۳۸۱). بر اساس آنچه در مطالعات متعدد انجام شده دامنه‌های مربوط به جهانی سازی بخش بانکی را در اثرات آن بر روی سودآوری بانکی، کارآمدی هزینه و جریانات اعتباری می‌توان بررسی نمود (کلاسز و اورن، ۲۰۱۲). در دو دهه اخیر پیشرفت‌های زیادی در بخش مالی در کشورهای توسعه یافته و با درآمد بالا انجام شده است به گونه‌ای که بسیاری از اقتصاددانان رشد بالای این کشورها را به بخش مالی آنها منتسب کرده‌اند. درحالی که در کشورهای توسعه یافته مطالعات زیادی در این رابطه انجام شده است؛ اما در کشورهای در حال توسعه و با درآمد متوسط، مطالعات کمتری در این رابطه انجام شده است. از طرفی پیرامون ارتباط میان رشد اقتصادی و توسعه بخش بانکی و برخی متغیرهای مهم اقتصادی مثل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری مطالعات شاخصی در کشورهای گروه D8 انجام نگرفته است. هدف از مطالعه حاضر بررسی تجربی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای منتخب کلان اقتصادی اعم از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ تورم، مخارج مصرفی دولت و درجه باز بودن تجاری در کشورهای گروه D8 است. در این مطالعه تلاش می‌شود تا ضمن بررسی ارتباط میان رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای منتخب کلان اقتصادی، برخی از نتایج مهم مطالعات قبلی تحلیل شود. نوآوری این مقاله نسبت به مطالعات مشابه از این منظر است که در این مطالعه به بررسی رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و برخی از متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای گروه D8 با استفاده از روش Panel VAR پرداخته می‌شود.

علاوه بر این و مهمتر از همه، توسعه بخش مالی<sup>۱</sup> نقش مهمی را نیز در رشد اقتصادی ایفا می‌کند که این نقش می‌تواند به طور مستقل و یا به صورت منفعل و در پاسخ به نیازهای گسترش اقتصاد باشد. به عنوان نمونه، گسترش بخش مالی از طریق دسترسی به خدمات واسطه‌گری و در پی آن صرفه‌جویی در زمان و کاهش هزینه‌های معاملات گامی مهم در راستای سرمایه‌گذاری و در پی آن رشد اقتصادی خواهد بود (لیانگ و ریچرت، ۲۰۰۶). تاثیر جهانی شدن مالی بر رشد اقتصادی از نظر مفهومی بدین معنی است که ممکن است بانک‌های خارجی به طور مثبت رشد اقتصادی را مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تاثیر قرار دهد. به طوری که بانک‌های خارجی مستقیماً با آوردن سرمایه اضافی، جستجو برای استفاده‌ی فعالانه و سودآور از این منابع مالی، اعمال کنترل در شرکت‌های بزرگ و تسهیل اعمال مدیریت بهتر ریسک، سبب سرعت بخشی به تراکم سرمایه و کارآمدی تخصیص منابع و یا با تشدید رقابت

<sup>1</sup> Financial sector development (FSD)

<sup>2</sup> Liang and Reichert

به صورت غیرمستقیم سبب تحریک رشد شوند (لوین<sup>۳</sup>، ۱۹۹۶). با رقابتی شدن بازارها و تشدید رقابت، بانک‌های خارجی می‌توانند موجب بالا رفتن سطح کلی کارآمدی در حوزه بانکی شوند. ورود آن‌ها بانک‌های داخلی را مجبور می‌کند تا خدمات بهتری فراهم کنند؛ در این میان، بانک‌های داخلی نیز در بسیج کردن پس‌اندازها، جستجوی فعال برای استفاده‌ی سودآور از این پس‌اندازها، اعمال کنترل بهتر در شرکت‌های بزرگ و تسهیل مدیریت ریسک به صورت تسریع‌کننده‌ی رشد اقتصادی اقدامات بهتری انجام دهند (جیگل<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). از این‌رو، بررسی تأثیر جهانی‌سازی بخش بانکی بر رشد اقتصادی موضوع اصلی این مطالعه قرار گرفته و این مطالعه می‌کوشد تا این موضوع را در کشورهای گروه D8 مورد بررسی قرار دهد.

رشته فعالیت بانکداری به سرعت در حال در نوردیدن مرزها است. در سراسر جهان محدودیت‌های ارائه‌کنندگان خدمات مالی<sup>۵</sup> به سرعت در حال کاهش است. در واقع خدمات بانکی به صورت فرامرزی ارائه می‌شود. با جهانی شدن مالی، ادغام‌ها و تملک‌های بانکی، جهانی شدن بانکی را تسریع نموده است و وظایف بانک‌های جهانی را آنچنان متحول نموده است که بانکها می‌توانند تمامی خدمات مالی (بانکی، بیمه‌ای و اوراق بهادار) را به صورت فرامرزی ارائه نمایند. از آنجاییکه در سالهای اخیر بسیاری از کشورهای در حال توسعه ادغام بیشتری در نظام مالی جهانی داشته‌اند، اگر جهانی شدن بازارهای مالی به طور ویژه مدیریت شود، سلامت نظام‌های مالی در کشورهای در حال توسعه ارتقاء بخشیده می‌شود (پروتی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷) و از آنجاییکه بانکداری چرخه اصلی برای انتقال اقدامات سیاست پولی به نرخ‌های سود (بهره) بازار، موجودی نقدینگی و نهایتاً کل فعالیت اقتصادی و قیمت‌ها است، بخاطر این کارکردهای متنوع، وجود بانکداری سالم اساسی‌ترین عنصر نظام مالی در کشورهای در حال توسعه است. از سوی دیگر، جهانی شدن بانکداری در جهانی شدن مالی پیشگام بوده و باعث ادغام بانکداری داخلی در بانکداری جهانی شده است. بانکداری فرامرزی<sup>۷</sup> و ادغام و تملکها<sup>۸</sup> نیز طی دهه اخیر تسریع شده است (میرجلیلی، ۱۳۸۱). از این‌رو، ضروری است تا با توجه به نقش مهم بانکداری در نظام مالی، با مطالعه پیرامون اثرات جهانی‌سازی سیستم بانکی، اثرات آن را بر رشد اقتصاد مورد بررسی قرار دهیم. در مجموع، با توجه به آنچه به عنوان ضرورت انجام این پژوهش به آن اشاره گردید، «بررسی تأثیر جهانی‌سازی بخش بانکی بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8 هدف اصلی این پژوهش است.

## ۲- روش تحقیق

گروه D8 یا گروه هشت کشورهای مسلمان در حال توسعه که اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه در آن عضویت دارند، از جمله پیمانهای منطقه‌ای است که به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه اسلامی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی و برقراری گفت‌وگو با هفت

<sup>3</sup> Levine

<sup>4</sup> Tschoegl

<sup>5</sup> Financial services providers

<sup>6</sup> protti

<sup>7</sup> Cross-border banking

<sup>8</sup> Mergers and acquisitions

کشور صنعتی تشکیل گردیده است. مهمترین اهداف تشکیل این گروه عبارت از؛ تقویت و ارتقاء جایگاه کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، متنوع‌ساختن و ایجاد فرصت‌های جدید در روابط تجاری، افزایش مشارکت در سطح بین‌المللی، تامین استانداردهای زندگی بهتر برای مردم کشورهای عضو می‌باشد.

در این پژوهش تجزیه و تحلیل اطلاعات به منظور بررسی تأثیر جهانی سازی بانکداری بر رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8، دستیابی به اهداف تحقیق و آزمون فرضیات مطرح شده با استفاده از داده‌های مربوط به متغیرهای مورد بررسی در کشورهای گروه D8 با استفاده از روش Panel VAR انجام می‌گیرد.

جامعه آماری این تحقیق شامل کشورهای گروه D8 می‌باشد. کشورهای گروه D8 شامل کشورهای ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است. از آنجایی که در این مطالعه از اطلاعات تمامی این ۸ کشور طی دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۲۰ استفاده شده است، نمونه آماری برای این تحقیق موضوعیت ندارد.

آمار و اطلاعات مربوط به متغیرها و کشورهای مربوطه از بانک جهانی جمع‌آوری شده است. نحوه جمع‌آوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای است. تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرها نیز با استفاده از روش Panel VAR و نرم‌افزار آماری Eviews (9.0) و برنامه اکسل انجام شده است.

## ۲-۲- تأثیر نرخ تورم روی رشد اقتصادی

در منحنی فیلیپس به طور معناداری به بررسی رابطه بین تورم و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود. براساس منحنی فیلیپس اولیه نوعی ارتباط منفی بین تورم و بیکاری وجود دارد. زیرا به دلیل وجود توهم پولی، آثار تغییرات قیمت از سوی کارگران به درستی پیش بینی نشده و در نتیجه با افزایش قیمت، دستمزدها به همان اندازه افزایش نمی‌یابند و لذا دستمزد حقیقی کاهش پیدا کرده، استخدام از سوی بنگاه‌ها بالا رفته، تولید و اشتغال افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت تورم و بیکاری رابطه منفی ولی تورم و تولید رابطه مثبت دارند. فریدمن و فلیس با وارد کردن انتظارات تورمی در منحنی فیلیپس نشان دادند که رابطه مذکور تنها در کوتاه مدت ملاحظه می‌شود و در بلندمدت و با تعدیل انتظارات تورمی منحنی فیلیپس عمودی می‌شود، لذا برخلاف الگوی سنتی، دیگر شیب منحنی منفی نبوده، تورم و بیکاری رابطه معکوس ندارند؛ بلکه تورم و بیکاری می‌توانند به همراه هم افزایش (یا کاهش) یابند. در نتیجه وجود رابطه مثبت بین تورم و تولید منتفی خواهد بود. دیدگاه رابرت لوکاس و دیگر نظریه پردازان انتظارات عقلایی از این هم فراتر می‌رود. آنها تصریح می‌کنند در صورتی که سیاست‌های پولی به صورت پیش‌بینی شده و اعلام شده اجرا شوند، حتی در کوتاه مدت نیز منحنی فیلیپس عمودی بوده و سیاست اقتصادی اثری بر تولید و اشتغال ندارد. پس پیوند مثبت بین تورم و تولید نه در کوتاه مدت و نه در بلندمدت قابل قبول نخواهد بود. در تئوری‌های رشد نیز دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه تورم و رشد اقتصادی ملاحظه می‌شود، یکی دیدگاه سیدروسکی<sup>۹</sup> (۱۹۶۷) است که با کمک روش بهینه‌سازی رفتار عوامل اقتصادی و یا در نظر گرفتن مانده حقیقی پول در تابع مطلوبیت، نشان داد که اثر تورم پولی بر رشد خنثی است. دوم مطالعه جیمز توبین<sup>۱۰</sup> (۱۹۶۵) است. او با فرض اینکه پول به عنوان جانشینی برای سرمایه است، اثر مثبت تورم روی رشد را ثابت کرد. سوم مطالعه استاکمن است که دامنه اثر توبین را محدود

<sup>۹</sup> Sidrauski

<sup>۱۰</sup> James Tobin

می‌سازد. به نظر استاکمن<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۱) اثر منفی تورم روی رشد عمدتاً مربوط به مدل‌های پرداخت نقدی است. استاکمن پول را به عنوان مکملی برای سرمایه در نظر می‌گیرد (جعفری صمیمی و قلی‌زاده کناری، ۱۸: ۱۳۸۶).

جدول ۱: بررسی پایایی متغیرها براساس آزمون فیشر PP

متغیر	مقدار آماره PP فیشر	مقدار بحرانی	سطح اطمینان	احتمال	نتیجه
رشد اقتصادی	۳۴/۹۲	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۴۱	پایا
عرضه پول	۵۸/۸۹	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۰۰	پایا
میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی	۱۲/۸۵	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۶۸۳۵	ناپایا
میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی با یک مرتبه تفاضل	۳۱/۹۱	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۱۰۳	پایا
میزان اعتبارات بخش خصوصی	۳۶/۳۱	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۲۶	پایا
نرخ تورم	۷۷/۴۱	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۰۰	پایا
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	۴۵/۳۱	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۰۱	پایا
درجه باز بودن تجاری	۴۹/۲۲	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۰۰	پایا
مخارج مصرفی دولت	۳۶/۹۰	-۱/۹۶	۹۵ درصد	۰/۰۰۲۲	پایا

جدول ۲: آزمون هم‌جمعی

آزمون هم جمعی کائو	t-statistic	prob	نتیجه
	-۳/۷۲۷	۰/۰۰۰۱	وجود بردار هم‌جمعی

در ادامه تحلیل واکنش آنی و تجزیه واریانس صورت گرفت که طبق تحلیل واکنش آنی مشخص شد که واکنش رشد اقتصادی نسبت به تکان‌های ناشی از مخارج مصرفی دولت و درجه باز بودن تجاری محسوس نیست. از طرفی وقوع یک شوک در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی را بسیار تغییر داده و اثر شوک ناشی از این متغیر طی زمان فزاینده می‌باشد. شوک ناشی از اعتبارات اعطایی به بخش بانکی (DCB) با شدتی ضعیف‌تر از شوک سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی موثر و عرضه است. شوک‌های ناشی از تورم، اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی (DCP) و عرصه پول (BRM) آثار بسیار ضعیفی بر رشد اقتصادی دارند. بنابراین می‌توان گفت میان تمام متغیرهای توضیحی لحاظ شده در این مطالعه شوک حاصل از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در درجه دوم شوک حاصل از اعتبارات اعطایی به بخش بانکی، بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی کشورهای D8 در دوره مورد مطالعه داشته است.

در ادامه با انجام تجزیه واریانس به نظر می‌رسد در کوتاه مدت، صرفاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی (از میان متغیرهای مورد بررسی در این مطالعه) بیشترین تأثیرگذاری را بر رشد اقتصادی در

<sup>11</sup>Stockman

دوره مورد بررسی دارند. ولی با گذشت زمان و در بلندمدت پس از متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، متغیرهای عرضه پول، نرخ تورم، درجه باز بودن تجاری، میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی، میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی، مخارج مصرفی دولت به ترتیب بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی کشورهای فوق دارند. یعنی با گذشت زمان به نوعی به میزان تأثیرگذاری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی افزوده شده و از تأثیر متغیر اعتبارات اعطایی به بخش بانکی به عنوان یکی از متغیرهای توسعه بخش بانکی کاسته می‌شود و در عوض طی زمان (در بلندمدت) سایر متغیرهای توسعه بخش بانکی اعم از عرضه پول و متغیرهای کلان اقتصادی اعم از نرخ تورم و درجه باز بودن تجاری تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای D8 در دوره مورد بررسی دارند. با توجه به نتایج به دست آمده و تأثیر منفی متغیر میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی و به بخش بانکی بر روی رشد اقتصادی در کشورهای گروه D8، در دوره مورد مطالعه در این بررسی، پیشنهاد می‌شود با ایجاد زمینه‌هایی جهت تقویت بخش‌های مولد، از جمله تخصیص بهینه تسهیلات، نظارت بر استفاده از این تسهیلات و همچنین اتخاذ سیاست‌های مناسب جهت افزایش بهره‌وری در بخش‌های تولیدی مولد، فعالیت‌های نامولد محدودتر گردند. از طرف دیگر با توجه به تأثیر مثبت باز بودن تجاری روی رشد اقتصادی، پیشنهاد می‌گردد تا با آزادسازی سنجیده در بخش تجارت خارجی، زمینه رشد فراهم شود. همچنین باتوجه به اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تأثیر بالای این متغیر در رشد اقتصادی کشورهای گروه D8 چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت (مطابق خروجی حاصل از تجزیه واریانس و تحلیل واکنش آنی) پیشنهاد می‌شود به منظور کسب بیشترین منفعت از سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود زیر ساخت‌ها، وضع و اجرای قوانین و مقررات لازم و ضروری مدنظر دولتمردان قرار گیرد.

### جدول ۳: نتایج برآورد الگوی Panel VAR - رشد اقتصادی، متغیر وابسته

متغیر وابسته: DLGDP			
دوره نمونه: ۲۰۱۵-۲۰۲۰			
تعداد سال: ۶ سال			
تعداد کشورها: ۸			
کل مشاهدات ۴۸			
متغیر مستقل	ضریب	انحراف معیار	آماره t
C	۰/۳۹۸۵۸۸	۰/۱۷۸۷۵	۲/۲۲۹۸۷
DLGDP(-۱)	-۰/۶۵۹۲۱۷	۰/۱۸۰۳۵	-۳/۶۵۵۲۰
BRM(-۱)	۰/۰۰۴۴۱۰	۰/۰۰۳۷۲	۱/۶۲۰۴۱
DCB(-۱)	-۰/۰۰۶۸۲۴	۰/۰۰۲۱۹	-۳/۱۱۰۰۴
DCP(-۱)	-۰/۰۰۵۲۰۰	۰/۰۰۲۶۳	-۱/۹۷۸۳۹
FDI(-۱)	۰/۰۳۸۱۵۶	۰/۰۲۰۷۱	۱/۸۴۲۶۰
GCE(-۱)	۰/۷E -۳/۹۲	۰/۱E -۱/۱۲	-۰/۳۶۲۰۳
INF(-۱)	-۰/۰۰۴۵۰۵	۰/۰۱۰۴۹	-۰/۴۲۹۴۹
OPE(-۱)	۰/۰۰۳۴۷۸	۰/۰۰۱۶۲	۲/۱۵۲۴۰
$R^2 = 0/55$			

## جدول ۴: تجزیه واریانس رشد اقتصادی

دوره	S.E.	DLGDP	BRM	DCB	DCP	FDI	GCE	INF	OPE
۱	۰/۱۱۷۰	۱۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰
۲	۰/۲۵۲۵	۲۱/۷۶۹	۰/۰۹۵۱۱	۱۳/۸۸۲۶۷	۰/۱۱۷۳۴۷	۶۳/۸۹۴۲	۰/۰۰۰۲۳	۰/۱۲۳	۰/۱۲۰
۳	۰/۳۸۲۳	۱۹/۵۴۸۷	۰/۳۲۹۶۶	۹/۴۹۵۴۶۷	۰/۱۲۸۴۵۶	۷۰/۱۵۶۴	۰/۰۱۳۵	۰/۱۲۳	۰/۰۹۵
۴	۰/۳۹۳۳۲	۱۸/۳۴۵۶	۰/۲۷۳۶۳	۱۱/۸۲۳۷۵۶	۰/۳۰۴۲۳	۶۸/۸۵۳۴	۰/۰۲۲۱	۰/۲۴۵	۰/۱۲۹
۵	۰/۴۳۳۵۸	۱۷/۳۹۴۶	۰/۳۹۹۰۱۰	۹/۹۴۶۶۵۴	۰/۴۰۱۲۳۴	۷۱/۴۷۳۶	۰/۰۲۰۸	۰/۲۳۵	۰/۱۲۴
۶	۰/۰۴۴۵۲	۱۶/۹۴۴۵	۰/۳۷۲۶۵	۱۰/۸۸۴۳۵	۰/۶۷۶۵	۷۰/۸۶۷۵	۰/۰۲۵۴	۰/۲۶۴	۰/۱۵۸
۷	۰/۰۴۷۸۶	۱۶/۶۴۴۲	۰/۴۴۱۶۵	۹/۹۰۵۴۵	۰/۸۸۱۵	۷۱/۶۵۷۸	۰/۰۲۴۵	۰/۲۳۹	۰/۱۵۹
۸	۰/۴۸۱۸	۱۶/۲۷۱۷	۰/۴۲۷۴۵	۱۰/۸۸۳۴۵	۱/۲۶۴۵۷	۷۰/۹۷۵۶	۰/۰۲۶۶	۰/۲۳۹	۰/۱۹۵
۹	۰/۴۹۵۵۰	۱۶/۳۷۶	۰/۴۹۴۳۴	۱۰/۰۳۸۶۷۵	۱/۵۹۶۵۴	۷۱/۰۸۵۴	۰/۰۲۸۹	۰/۲۴۵	۰/۲۰۴
۱۰	۰/۵۰۴۴۴	۱۵/۸۵۸۶	۰/۴۹۶۷۶	۱۰/۹۴۳۴۵	۲/۰۹۳۴۵	۷۰/۶۵۷۸	۰/۰۳۲۱۲	۰/۲۷۷	۰/۲۴۳

## ۳- نتیجه گیری

جهانی‌شدن اقتصاد، توأم با خصوصی‌سازی، آزادسازی تجارت، مقررات‌زدایی در تجارت، کاهش مالیات‌ها، به حداقل رساندن نظارت دولت، رشد سریع شرکت‌های چندملیتی، گسترش مراکز مالی جهانی، مهاجرت کارگران، تحوّل در حمل و نقل و شبکه ارتباطات و وابستگی ارزش اقتصاد به تجارت اطلاعات و نه تجارت مواد، می‌باشد. جهانی‌شدن از جمله پدیده‌هایی است که نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. جهانی‌شدن اقتصاد به تشدید جریان کالا، خدمات، اطلاعات، سرمایه‌گذاری و عوامل تولید در سطح بین‌المللی دلالت دارد که در نهایت منجر به یکپارچگی اقتصادی می‌شود. در فرایند جهانی‌شدن اقتصادی، اقتصاد کشورها و مناطق در اقتصاد بین‌الملل ادغام شده و از نقش دولت‌های محلی در تولید، توزیع و مسایل پولی و مالی کاسته می‌شود. این سخن به این معنا نیست که جوامع محلی و منطقه‌ای و ملی دارای نقش تعیین‌کننده در جریان اقتصاد نیستند، بلکه درجه تعیین‌کنندگی نقش کشورها را پیشرفت تکنولوژیکی، قدرت و توان تولیدی و پاسخگویی به نیازهای بازار مشخص می‌سازد. اگرچه بنابر برخی تفسیرها، جهانی‌شدن عمدتاً دارای ماهیت اقتصادی است و برخی، همچون مانوئل کاستلز، فقط بر بعد اقتصادی جهانی‌شدن تأکید کرده‌اند، اما نمی‌توان از سایر مؤلفه‌ها و ابعاد جهانی‌شدن چشم پوشید؛ چراکه جهانی‌شدن پروژه (یا پروسه) عامی است که ابعاد مختلف حیات انسانی را دربرمی‌گیرد و با نمودهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی همراه است. جهانی‌سازی را باید فرایندی چند بعدی دانست، زیرا ویژگی‌های آن، یعنی قلمروزدایی، هم‌پیوندی اجتماعی و شتاب در عرصه‌های مختلف (اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی) حیات اجتماعی بروز می‌یابند. اگرچه، هر وجه از جهانی‌سازی با هسته اصلی مولفه‌های جهانی‌سازی که شرح داده شد، پیوند می‌خورد، اما هر وجهی شامل دنباله‌ای پیچیده و نسبتاً خودفرمان از روندهای تجربی است، روندهایی که شناخت سازوکارهای علی خاص ایجادکننده شان مستلزم بررسی دقیق و موردی است. جوامع بشری همواره میل به همگرایی داشته‌اند و این امر، در عرصه جهانی‌شدن رو به گسترش است. یکی از پیامدهای جهانی‌شدن، مشترک شدن بسیاری از مسائل انسانی و شباهت یافتن الگوهای مصرف عمومی، فرهنگی و اقتصادی است. جهانی‌شدن فرهنگی به معنی شکل‌گیری و گسترش فرهنگ عام در عرصه جهانی و افزایش همگونی فرهنگی و اقتصادی است

و نقش رسانه‌های ارتباطی، همانند: رسانه‌ها، سایت‌ها، تلفن همراه، فاکس، اینترنت و ماهواره که موجب افزایش گردش تصاویر، اندیشه‌ها و آثار هنری می‌شود، تسریع جهانی شدن فرهنگی است. هنر و تجارت بیش از پیش به هم گره خورده‌اند و هنر عامه‌پسند با جلب حمایت مردم و سرمایه‌داران، بیشتر گسترش یافته است. جهانی بودن یا جهانی شدن موسیقی بیانگر احساس نیاز جمعی و جهانی نسبت به آن و نیز قابلیت ارائه جهانی آن است. جشنواره‌های سینمایی بین‌المللی و جهانی، به معنای توجه جهان به مقوله سینما و تئاتر است. برگزاری نمایشگاه‌های جهانی کتاب به منزله ضرورت پاسخگویی به نیاز امروز انسان است. تسخیر بازارهای جهان از انواع کالاهای فرهنگی و هنری و حجم گسترده صادرات و واردات این گونه کالاها به منزله آنست که اقتصاد فرهنگ، مفهوم تجارت فرهنگ به خود گرفته است. صنایع فرهنگی اصطلاح پُر استفاده‌ای است که در کنار سایر واژه‌های اقتصادی به کار برده می‌شود. توصیه‌های یونسکو، به‌عنوان یک مرکز جهانی برای حفظ فرهنگ‌ها و توسعه فرهنگی، بیانگر چه چیزی خواهد بود؟ فناوری‌های نوین و رسانه‌های جدید این قدرت را به انسان عرضه کرده است که بتواند بدون سفر به اقصی نقاط جهان، با دیگران رو در رو ملاقات کند و با آنان تعامل داشته باشد. کالای تولیدشده در یک نقطه از جهان می‌تواند در نقطه مقابل آن با فرسنگ‌ها فاصله، مورد استفاده قرار گیرد. دیگر چیزی از کسی مکتوم نمی‌ماند.

همه آنچه بیان شد بیانگر واقعیتی است که جهان امروز شاهد آنست. ما در کجای این جهان ایستاده‌ایم؟ می‌توان به دوروش عمل کرد. در روش اول اینکه؛ چشم خود را بر تحولات جهانی ببندیم و درصدد تأمین نیازهای خود باشیم و به دیگران هم کاری نداشته باشیم. چنین امری محال است؛ زیرا دیگر چیزی به نام مرز مفهوم ندارد که بتوان با بستن آن، دیده مردم را نسبت به آنچه در حال وقوع است، بست. و در روش دوم آنکه؛ با درک صحیح از آنچه در حال اتفاق است، با راهبرد منطقی حفظ منافع ملی و فرهنگی و با حفظ اصول و ارزش‌های مقبول جامعه به استقبال این تحولات رفت و قبل از آنکه دیگران نیازهای فرهنگی ما را با کالاهای تقلبی و جعلی خود پاسخ بدهند، با تأمین به موقع و با خلاقیت و نوآوری این تحولات را مدیریت و فرهنگ ملی را در این بازار مکاره، با کالای ناب و حقیقی اشباع کرد.

در این مطالعه، ارتباط بین رشد اقتصادی، توسعه بخش بانکی و متغیرهای کلان اقتصادی طی دوره ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۰ برای کشورهای D8 با استفاده از مدل Panel VAR بررسی و ارزیابی گردید. در این مقاله سه متغیر توسعه بخش بانکی یعنی عرضه پول، میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی و چهار متغیر کلان اقتصادی یعنی نرخ تورم، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری و مخارج مصرفی دولت تجزیه و تحلیل شد. با انجام آزمون ریشه واحد فیشر PP برای متغیرها مشخص شده است که تمامی متغیرها پایا از درجه صفر ولی متغیر میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی پایا از درجه یک می‌باشند. در ادامه برای بررسی وجود هم‌انباشتگی میان متغیرها از آزمون کائو استفاده شد که نتایج آزمون حاکی از وجود ارتباط بلندمدت میان متغیرهای مدل بود. در ادامه مدل با روش Panel VAR زده شد. نتایج حاصله نشان می‌دهند که وقفه اول میزان اعتبارات اعطایی به بخش بانکی و میزان اعتبارات اعطایی به بخش خصوصی اثر منفی بر رشد اقتصادی دوره مورد بررسی در این مطالعه در کشورهای گروه D8 داشته است. همچنین عرضه پول، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری اثر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای فوق در دوره مورد بررسی داشته است.

- ۱- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰). بررسی چهره دوم جهانی شدن، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲- افروغ، عماد، (۱۳۸۷). ما و جهانی شدن، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ۳- آرمن، سید عزیز، امین تبعه ایزدی و فاطمه حسین پور. (۱۳۸۷). مثلث توسعه مالی، رشد اقتصادی و تجارت خارجی در ایران، فصلنامه اقتصاد مقداری؛ ۵ (۳): ۳۲-۴۱.
- ۴- جعفری صمیمی، احمد و صدیقه قلیزاده کناری. (۱۳۸۶). بررسی رابطه تورم و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه: شواهدی جدید، نامه مفید، ۱۳ (۶۳): ۴۵-۵۸.
- ۵- جعفری صمیمی، احمد، صفر فرهنگ، مهدی رستم زاده و مهدی محمدزاده. (۱۳۸۸). تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی ایران، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی؛ ۱-۲۱.
- ۶- مهر آرا، محسن و حسین طلاکش نایینی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه توسعه مالی و رشد ۲۰۰۳-۱۹۷۹، مجله دانش - اقتصادی در کشورهای منتخب با روش داده‌های تلفیقی پویا و توسعه، ۱۶ (۲۶).
- ۷- میرمطهری، سید احمد. (۱۳۸۶). آزمون رابطه میان رشد اقتصادی و ساختار مالی ایران، پژوهشنامه اقتصادی؛ ۷ (۲۴): ۱۱۶-۱۰۳.
- ۸- نوفرستی، محمد. (۱۳۷۸). ریشه واحد و هم جمعی در اقتصادسنجی؛ موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول.